



DOI: 10.30497/pkn.2024.242949.2974

Received: 2022/04/13

Accepted: 2022/05/28

Reconstruction of the thought of Islamic resistance in the light of Mohammad Baqir Sadr's views

Mohammad Hasan Zandevakili*

Jalal Dorakhshah**

Based on the views of Mohammad Baqir Sadr, this essay seeks to reconstruct the thought of Islamic resistance into four conceptual elements. Our study is in the category of qualitative research and relies on the "documentary method" for the data collection. "Thomas Spragens' method" is also used to analyze the data. Based on the four steps of this method, the researchers aim to describe three statuses: "present", "transitional" and "ideal". The main question is how to reconfigure the thought of Islamic resistance based on Sadr's views? There seems to be an important linkage between thought and Sadr's militant views. According to Sadr, due to the colonial domination and the degeneration of the Ummah, a growing gap has emerged between the current society and the ideal society. In such a situation, resistance should be considered as a strategic measure for the transition from the current situation to the desired situation. In conclusion, the final achievement of this research indicates that Sadr's ideas are rooted in the theory of "comprehensive resistance" and encompass all aspects of human life.

Keywords: Colonialism, Islamic Government, Islamic Resistance, Mohammad Baqir Sadr, Monotheistic Society, Thomas Spragens.

* Ph.D student, Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, I.R.Iran.

zandevakili@isu.ac.ir

0000-0002-2078-5111

** Professor of Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

derakhsheh@isu.ac.ir

0000-0008-5463-3336

بازسازی اندیشه مقاومت اسلامی در آرای شهید سیدمحمدباقر صدر

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۴۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

محمدحسن زندوکیلی*

جلال درخشه**

چکیده

این مقاله در پی آن است که بر پایه آرای شهید سیدمحمدباقر صدر، اندیشه مقاومت اسلامی را در قالب چهار سرمایه مفهومی بازسازی کند. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و با هدف گردآوری داده‌ها از «روش اسنادی» بهره می‌برد. همچنین در این جستار نظری، به منظور تحلیل داده‌ها از روش «جستاری» استفاده می‌شود. مبتنی بر گام‌های چهارگانه این روش، پژوهشگران درصدد آن هستند که به توصیف و تشریح «وضعیت موجود»، «وضعیت گذار» و «وضعیت مطلوب» بپردازند. پرسش اصلی این است که «با معیار قرار دادن آرای شهید سیدمحمدباقر صدر، چگونه می‌توان نوعی صورت‌بندی از اندیشه مقاومت اسلامی ارائه کرد؟». به نظر می‌رسد، میان اندیشه نظام‌سازانه و دیدگاه‌های مبارزاتی شهید صدر پیوند وثیق و مهمی برقرار است. طبق دیدگاه این اندیشمند مسلمان، به سبب سلطه استعمار و انحطاط امت، شکاف فزاینده‌ای میان جامعه کنونی و جامعه آرمانی پدید آمده است. در چنین شرایطی ضروری است مقاومت را به مثابه تمهیدی راهبردی برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در نظر گرفت. در خاتمه، دستاورد نهایی این پژوهش بیانگر آن است که شالوده اندیشه مبارزاتی شهید صدر، بر پایه نظریه «مقاومت همه‌جانبه» بنا شده و مقاومت اسلامی در تمام ابعاد حیات انسانی بسط یافته است.

واژگان کلیدی: استعمار، توماس اسپریگنز، جامعه توحیدی، حکومت اسلامی، سیدمحمدباقر صدر، مقاومت اسلامی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

zandevakili@isu.ac.ir

0000-0002-2078-5111

** استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

derakhshesh@isu.ac.ir

0000-0008-5463-3336

مقدمه

بیان مسئله: شهید محمدباقر صدر اندیشه‌های خود را در بستری پُرمنزعه مطرح کرده است و ضرورت مقاومت بخش جدایی‌ناپذیری از تفکر او تلقی می‌شود. دغدغه پژوهش حاضر این است که با تمرکز بر آرای شهید صدر، در راستای بازسازی اندیشه مقاومت اسلامی گام بردارد. در همین زمینه، انگیزه نگارش این مقاله درک این موضوع است که مقاومت اسلامی در نسبت با جامعه کنونی و جامعه آرمانی، نقشی اساسی ایفا می‌کند.

اهمیت: نحوه رویارویی با دشمنان دین و کیفیت دفاع از مرزهای وطن اسلامی، موضوع‌های مهمی است که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد. شهید صدر از جمله متفکرانی است که می‌توان پیوند معناداری میان اندیشه نظام‌سازانه و دیدگاه‌های مبارزاتی وی برقرار کرد. در واقع، اگر در آثار او حکومت اسلامی به‌عنوان یک هدف عالی شناسایی شده است، متعاقباً و به تناسب هدف، طریقه تشکیل حکومت نیز موضوعیت دارد. در نتیجه واکاوی موضع نظری شهید صدر درباره مقاومت اسلامی، از حیث نظری واجد اهمیت خواهد بود. این اهمیت از آن جهت قابل توجه است که در «وضعیت گذار»، شناسایی یک راهبرد انتقالی و صورت‌بندی ارکان آن، گامی اساسی برای حرکت به سمت «وضعیت مطلوب» است.

ضرورت: با وجود پیروزی‌های مقاومت اسلامی در عرصه میدانی، در عرصه نظریه‌پردازی، اندیشه مقاومت اسلامی پژوهش‌های علمی نداشته است و شناسایی وجوه این اندیشه در آرای متفکران شاخص اسلامی، یک بایسته مطالعاتی محسوب می‌شود. به‌ویژه آنکه نظریه‌های غربی درباره مقاومت، تناسب چندانی با بافتار اسلامی ندارد و از کفایت درخوری برای واکاوی ابعاد معنایی این واژه برخوردار نیست؛ بنابراین، نگارش جستارهای نظری که خمیرمایه بحث خود را از سنت اسلامی وام می‌گیرند، یکی از استلزام‌های اساسی اندیشه‌ورزی در حوزه مقاومت به‌شمار می‌رود.

اهداف: کمک به شناخت و ترویج نظریه بومی مقاومت، هدف اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. اهداف فرعی نیز عبارت‌اند از: کمک به کارشناسان و مدیران حوزه مقاومت از رهگذر تبیین دیدگاه‌های شهید صدر، و تبیین ظرفیت‌های راهبردی دیدگاه‌های شهید صدر.

سؤال‌ها و فرضیه: این مقاله فرضیه‌آزما نیست. همچنین باید اشاره کرد که برای پیشبرد اهداف این جستار نظری و به تناسب الگوی تحلیلی پژوهش، تأمل در سه پرسش در دستورکار قرار گرفته است. پرسش اصلی عبارت است از: با معیار قراردادن آرای شهید سیدمحمدباقر صدر، چگونه می‌توان نوعی صورت‌بندی از اندیشه مقاومت اسلامی ارائه کرد؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: شهید سیدمحمدباقر صدر، وضعیت موجود را چگونه توصیف می‌کند؟ نزد شهید سیدمحمدباقر صدر، وضعیت مطلوب از چه کیفیتی برخوردار است؟ و بالاخره بر پایه نظریه‌های شهید سیدمحمدباقر صدر، چگونه اندیشه مقاومت اسلامی گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را ممکن می‌کند؟

۱. پیشینه پژوهش

اگرچه در بحث مقاومت آثار متعددی منتشر شده است؛ اما تحلیل نظرهای شهید صدر چندان مورد توجه نبوده است. این آثار را می‌توان در دو سطح بررسی نمود:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

نتایج جستجو در دوفصلنامه علمی دانش سیاسی حاکی از آن است که تنها یک مقاله به‌طور مستقیم، اندیشه مقاومت اسلامی را بررسی نموده است. بر همین اساس، مهدی‌پور (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با تحلیل سخنان آیت‌الله خامنه‌ای چنین نتیجه می‌گیرد که مقاومت الگویی برای ایستادگی در برابر نظام سلطه غربی است و تمدن نوین اسلامی، چشم‌انداز مقاومت اسلامی است.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع علمی

واکاوای مفهوم مقاومت و بررسی ابعاد اندیشه مقاومت اسلامی، یکی از دغدغه‌های مهمی است که محققان را حول ضرورت تدوین آثار علمی مجتمع کرده است. آثار انتشاریافته در این حوزه عمدتاً به سه دسته تقسیم می‌شوند.

دسته اول: پژوهشگرانی که در تلاش‌اند تا برپایه محتوای آیات قرآن کریم و احادیث و سیره معصومین (علیهم‌السلام)، به کالبدشکافی اجزای اندیشه مقاومت اسلامی بپردازند؛ برای مثال می‌توان به آثار زیر اشاره داشت: آصفی (۱۴۳۰ق) در پژوهشی با تأمل در

احادیث و سیره معصومین (علیهم‌السلام)، تلاش کرده به اقتضای معضلات کنونی جوامع اسلامی، بایسته‌های فقهی مقاومت را در سه دسته بررسی کند. این سه دسته عبارت‌اند از: مقاومت فردی درمقابل تعرض به جان، مال و ناموس، مقاومت اجتماعی در مواجهه با حکومت‌گران ظالم و مستبد و مقاومت جمعی در برابر نفوذ کفار و اشغال‌گری بیگانگان. افتخاری (۱۳۹۹) در پژوهشی قرآنی، مفهوم مقاومت، الگوها، نظریه‌های و راهبردهای معطوف به آن را بررسی کرده است. ماحصل این کتاب، دستیابی به نظریه‌ای مختار است که با استفاده از تعبیر قرآنی «بنیان مرصوص»، مقاومت را به معنای استحکام درونی جامعه در نظر می‌گیرد. امین ناجی و زاهدی تیر (۱۳۹۸) با تمرکز بر دلالت‌های تفسیری آیات قرآن کریم، به این نتیجه نائل شده‌اند که مقاومت مفهومی اجتماعی دارد و اساس آن را باید برپایه توحید، عدل و فطرت بنا کرد. خراسانی (۱۳۹۹) در پژوهشی قرآنی، توحیدباوری را به‌عنوان اساسی‌ترین رکن مقاومت اسلامی در نظر می‌گیرد و جایگاهی ویژه به عوامل اختصاصی می‌دهد که تقویت‌کننده انگیزه مقاومت هستند. خواجه‌پور و دیگران (۱۳۹۹) از رهگذر بررسی آموزه‌های قرآن و سنت، هدف اصلی مقاومت اسلامی را ایستادگی و پایداری در برابر هر عاملی می‌دانند که تعادل و توازن در جامعه را مختل می‌کند.

دسته دوم: محققانی که از مجرای بررسی آثار اندیشه‌ورزان شاخص اسلامی، چهارچوبی برای اندیشه مقاومت اسلامی تدوین می‌کنند؛ برای مثال می‌توان به آثار زیر اشاره داشت: بهارلو و دیگران (۱۳۹۷) در اثر خود تلاش دارند در پرتو نظریه اعتباریات و با تمرکز بر آرای انسان‌شناختی علامه طباطبائی و شهید مطهری، الگویی مبتنی بر اندیشه مقاومت اسلامی استخراج کنند. این الگو با تکیه بر مفاهیمی نظیر فطرت و اصل استخدام، روابط سه‌گانه هویت، استثمار و کارکرد را بررسی می‌کند. صالح میرزایی (۱۳۹۹) در کتاب خود می‌کوشد برپایه بیانات و رفتار سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مقتضیات و موانع مقاومت و آثار و الگوهای معطوف به آن را بررسی کند. تکیه‌گاه این کتاب، ضرورت دشمن‌شناسی و لزوم توجه به تجارب تاریخی است.

دسته سوم: آثار متمرکز بر اندیشه مبارزاتی شهید سیدمحمدباقر صدر: اگرچه اختصاصاً و به‌طور مستقل دیدگاه شهید صدر درباره مقاومت اسلامی مورد پژوهش قرار نگرفته؛

اما اجمالاً می‌توان به معرفی شماری از آثاری پرداخت که هر یک اندیشه مبارزاتی شهید صدر را در کانون بحث و نظر قرار داده‌اند. ایران‌نژاد و جمشیدی (۱۳۹۱) چنین استدلال می‌کنند که شهید صدر در حوزه انقلاب اسلامی، از نظریه‌ای مستقل برخوردار است. این نظریه به عاملیت انسان و تحقق عوامل خارجی، نقش بسزایی اعطا می‌کند. علیان‌سب (۱۳۹۴) با بررسی ایدئال برتر در نزد سیدمحمدباقر صدر بر این باور است که شهید صدر انقلاب متعالی را از انقلاب مادی متمایز ساخته است و برپایه سنت‌های الهی، تحول امت را شرطی اساسی برای انقلاب اسلامی می‌داند. برهانی و میرعلی (۱۳۹۷) به مقایسه آرای شهید صدر و ابوالاعلی مودودی می‌پردازند و درنهایت با تمسک به آیات قرآن چنین نتیجه می‌گیرند که انقلاب مستلزم اراده انسان برای تغییر باورها، رفتارها و ساختارهاست. خرمشاد و نادری (۱۳۹۰) از رهگذر بررسی فراز و فرود حزب الدعوه، به تحلیل اندیشه‌های انقلابی شهید صدر می‌پردازند و تأثیر آن بر گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق را مطالعه می‌نمایند.

وجه نوآورانه پژوهش حاضر بر تمرکز موضوعی آن بر اندیشه شهید صدر و الگوی تحلیل سه‌وجهی آن بازمی‌گردد. درحقیقت، مهم است که بدانیم مقاومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر از چه جایگاهی برخوردار است و در نسبت با وضع موجود و وضع مطلوب، چه نقشی را ایفا می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی مقاومت

در زبان فارسی، استواری، پافشاری، ایستادگی و پایداری، واژگان شاخصی هستند که معنای مقاومت را در اذهان تداعی می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۲۱۳۰۲). واژه مقاومت برگرفته از ریشه «ق-وم» بوده و در زبان عربی بر معنای مشترک مقاومت و استقامت اشاره شده است. همچنین، «قام» مترادف «عزم» در نظر گرفته شده و متضاد آن را می‌توان در مصدر «جلوس» و یا «قعود» جستجو کرد. نکته حائز اهمیت آن است که لغت‌شناسان با تأکید بر الزام‌های معنایی باب مفاعله، مقاومت را به‌عنوان واژه‌ای مشارکت‌پایه در نظر می‌گیرند و برای تعریف آن به مفاهیمی نظیر استواری، اعتدال، طلب قیام، ثبات و استمرار در راه حق اشاره کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۶-۵۰۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۴۸۸-۴۹۰؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص. ۵۹۲).

طبق یک پژوهش معناکاوانه می‌توان مقاومت را به مثابه استحکام، مبارزه، ممانعت، مدیریت شرایط محیطی و یا محافظت در نظر گرفت (افتخاری، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۳)؛ اما پیداست که تعریف قابل اتکا از واژه مقاومت در گرو فهم آن در چهارچوب یک سنت نظری است. درحقیقت، نمی‌توان مستقل از یک پارادایم، ابعاد معنایی این واژه را به صورت مجزا استخراج کرد و به تعریفی فراگیر از آن پرداخت. به عبارتی دیگر، دو پارادایم شریعت‌مدار و سکولار، هر یک اراده معنایی خاصی از مفهوم مقاومت دارند و مفهوم‌شناسی مقاومت در پرتو معارف اسلامی متمایز از سایر سنت‌های نظری است (افتخاری، ۱۳۹۹، صص. ۶۰-۶۵). به‌ویژه درک معاصر از این مفهوم و بررسی تأملات اندیشمندان اسلامی تصویر روشن‌تری را نمایان می‌کند. در همین زمینه، شهید صدر مقاومت را به‌عنوان باوری سلبی در نظر می‌گیرد و از مفهومی به نام «مقاومت منفی» یاد می‌کند. در آثار این متفکر شیعی، مقاومت اسلامی در وهله نخست برخوردار از جنبه عقیدتی است و این مفهوم به‌عنوان عاملی بازدارنده برای طرد مکاتب دیگر شناسایی می‌شود (صدر، بی‌تا، ص. ۲۸). شهید صدر برای درک بهتر مفهوم مقاومت از عناوینی نظیر مقاومت خاموش، مقاومت پویا و مقاومت انقلابی استفاده می‌کند (صدر، ۱۳۹۳، صص. ۱۷۵-۱۷۸). با این حال باید توجه داشت که اندیشه مقاومت اسلامی در آرای شهید صدر و دیگر اندیشمندان اسلامی ابعاد گسترده‌تری از ریشه‌شناسی لغوی و کاربرد اصطلاحی این واژه دارد.

۳. مبانی نظری و الگوی تحلیلی

اندیشه مقاومت دارای جایگاهی کلیدی در نزد آن دسته از متفکرانی است که مدافع تشکیل حکومت اسلامی هستند. مطابق نظر اندیشمندان شیعی، «حکومت در اسلام هدف نیست بلکه وسیله است برای اجرای احکام و قوانین و تأمین اهداف عالی آنکه بدون تأسیس سازمان سیاسی امکان‌پذیر نیست» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ص. ۲۵). به باور آنان اصلی‌ترین ضربه‌ای که از ناحیه دشمنان دین به امت وارد شده، جلوگیری از اجرای احکام شرعی و بسط انحرافات عقیدتی در جوامع اسلامی است. اندیشمندان اسلامی اگرچه درباره ماهیت نظام آرمانی و الگوی مطلوب حکومت اسلامی اجماع نظر نداشته‌اند؛ اما جملگی بر این باور بوده‌اند که شریعت اسلام در مواجهه با جریان قدرت

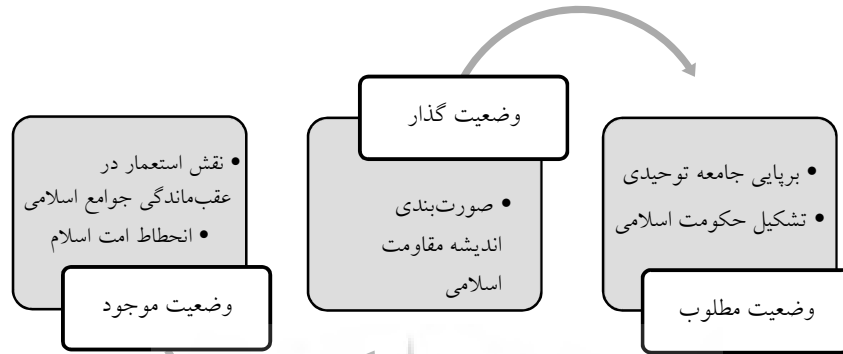
و در مواجهه با کیفیت استقرار زمامداران سکوت نکرده و به‌ویژه براساس قاعده «نفی سبیل»، سلطه کفار بر مسلمین ابدأ قابل پذیرش نیست (فیرحی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶). به باور اغلب رهبران و اندیشه‌ورزان نهضت‌های اسلامی، عقب‌ماندگی‌های کنونی جوامع اسلامی ریشه در فاصله‌گرفتن امت از تعالیم اصیل اسلام اولیه دارد. این تعالیم دارای یک روح ثابت است که راهنمای مسلمانان در همه قرون و اعصار است و کالبدی متغیر دارد که در هر عصر و زمانی صورت متفاوتی به خود می‌گیرد. درعین حال، باید میان علل پیدایی عقب‌ماندگی و علل تداوم آن تمایز بخشید. درواقع آنچه زوال امت را تعمیق و استمرار بخشیده، هجوم همه‌جانبه استعمار و متعاقب آن بسط روابط استثماری در جوامع مسلمین است؛ بنابراین فرض اساسی این است که با سرنگونی حکومت‌های سرسپرده و اخراج نیروهای غربی از ممالک اسلامی، مسلمانان خود می‌توانند چگونگی بازگشت به تمدن شکوهمند اسلامی را تدبیر کنند (امرابی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۵؛ السید، ۱۳۹۸، صص. ۵۳-۵۵).

بررسی تاریخ پرفرازونشیب جهان اسلام نشان می‌دهد که بخش مهمی از معضلات کنونی امت، ناشی از تضعیف مدارس علمیه و رکود اصلی‌ترین پایگاه‌های فکری مسلمین است. این پایگاه‌ها در صف مقدم مبارزه با نیروهای بیگانه بودند؛ برای مثال در ایران به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های فکری عالم تشیع، استبداد به پیروی از استعمار، آن‌چنان عرصه را بر عالمان دین تنگ کرده بود که پیش از انقلاب اسلامی، حوزه‌های علمیه در مسائلی نظیر حدود و قصاص و امر به معروف و نهی از منکر، عملاً مداخله‌ای نداشتند (جوان آراسته، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۴). شهید مطهری با نگرانی از حجم بالای اندیشه‌های وارداتی، خروجی فکری حوزه‌های علمیه را در سطح ناچیزی می‌دید و امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نیز بر این باور بود که قیام برای نظام‌دادن به حوزه‌ها ضروری است (خمینی، ۱۳۷۴، صص. ۳۳-۳۵؛ مطهری، ۱۳۷۶، صص. ۳۲-۳۴). در همین زمینه، شهید صدر این تحلیل را برجسته می‌کند که استعمار در کشورهای اسلامی به زور سرنیزه وارد شد و درمقابل، این علمای حوزه بودند که در برابر هجوم نیروهای بیگانه مردم را بسیج می‌کردند. این مقاومت هزینه سنگینی دربرداشت و از همان ابتدا استعمارگران برای سلطه خود چاره کار را در نابودی حوزه‌های علمیه می‌دیدند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۴۷). سیدمحمدباقر صدر معتقد است

که امروز حرکت اجتهاد به‌خوبی به این بصیرت نائل آمده که پیاده‌سازی احکام فردی، پیوند وثیقی با جنبه‌های اجتماعی نظریه اسلام دارد؛ زیرا با فروپاشی جنبه اجتماعی، جنبه فردی نیز مضمحل می‌شود (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۵۱۶). در واقع می‌توان این‌گونه اظهار داشت که نقطه اشتراک اندیشه‌ورزان و رهبران مبارز اسلامی، تفسیری سیاسی و سلطه‌ستیزانه از متون اسلامی است. این کوشش‌های فکری با وجود استخدام رویکردهای متفاوت، جملگی حامل این بصیرت هستند که با تداوم عقب‌ماندگی و پیشروی نیروهای بیگانه، جوامع مسلمین روزبه‌روز از نظم آرمانی و سامان سیاسی مطلوب فاصله می‌گیرند. اساساً نگرش تمدنی به اسلام، تصویری آرمانی از جامعه مطلوب را ارائه می‌کند و در پی تدبیر آمریت سیاسی است (درخشه، ۱۳۹۰)؛ بنابراین لازم است به تمهیدی تمسک جست که گذار از وضع موجود به وضع مطلوب را محقق کند.

به‌نظر می‌آید اگر تفسیر راهبردی از مقاومت اسلامی مدنظر قرار گیرد، حرکت به سمت وضع مطلوب، ممکن خواهد شد. در نزد شهید صدر زوال امت و سلطه استعمار، دو مؤلفه کلیدی برای شناخت وضعیت موجود هستند. همچنین، طبق دیدگاه این اندیشمند مسلمان، جامعه توحیدی نمایانگر وضعیت مطلوب است و برای تحقق این جامعه آرمانی، شکل‌گیری حکومت اسلامی ضرورت دارد. در این‌بان، مهم است که نسبت مقاومت با جامعه کنونی و جامعه آرمانی مشخص شود. در همین راستا و مطابق با روش جستاری می‌توان از الگویی سه‌بخشی بهره برد. این الگو با شناسایی با وضعیت‌های سه‌گانه، تصویر روشنی از جایگاه مقاومت را آشکار می‌کند و به‌وضوح خصلت راهبردی آن را نشان می‌دهد. به‌بیانی دیگر، صورت‌بندی اندیشه مقاومت در وضعیت گذار، یکی از اساسی‌ترین استلزام‌هایی است که حرکت از وضعیت موجود به‌سوی وضعیت مطلوب را ممکن می‌کند.

شکل شماره (۲): الگوی تحلیلی پژوهش



(طراحی شده توسط نگارندگان)

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث نوع، بنیادی؛ و از حیث رویکرد محققان، تفسیری است. این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار دارد و در برای گردآوری داده‌ها متکی بر روش اسنادی است. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش «جستاری» استفاده شده است.

۴-۱. معرفی روش

توماس اسپریگنز، به دنبال فهم سرشت مشترک و توضیح پویایی منطق درونی نظریه‌های سیاسی است. نزد وی، «روش جستاری» از چهار گام تشکیل شده است: مشاهده بی‌نظمی، تشخیص علل، ترسیم جامعه آرمانی و ارائه راه‌حل. در گام نخست، نظریه پرداز از بی‌نظمی‌ها و بحران‌هایی آغاز می‌کند که گریبان‌گیر جامعه است. در این مرحله، باید به شناسایی عواملی پرداخت که نظریه پردازان سیاسی را به تعمق و تفکر واداشته است. پس از شناسایی عوامل بحران، گام دوم به واکاوی آن دسته از عللی اختصاص می‌یابد که زمینه‌ساز وقوع نابسامانی‌های اساسی در عرصه سیاسی هستند. سپس در گام سوم، متفکر سیاسی به تصویرسازی نوعی جامعه آرمانی می‌پردازد و سامان سیاسی مطلوب خود را ترسیم می‌کند. در نهایت، گام چهارم در بردارنده

راه‌حلهایی است که برای اصلاح نظم سیاسی کنونی ضروری هستند و حرکت به سمت جامعه آرمانی را ممکن می‌کنند (اسپریگنز، ۱۳۹۹، صص. ۴۱-۳۸).

۴-۲. کاربرست روش جستاری

پژوهشگران در مقام کاربرست روش جستاری، سه وضعیت متمایز را شناسایی می‌کنند: الف. وضعیت موجود، بیانگر ویژگی‌های جامعه کنونی است و توصیف بی‌نظمی و علل آن را شامل می‌شود.

ب. وضعیت مطلوب، بیانگر ویژگی‌های جامعه آرمانی است.

پ. وضعیت گذار، بیانگر ویژگی‌های جامعه در حال گذار است و به ارائه راه‌حل‌ها اختصاص یافته است.

شکل شماره (۱): تطبیق روش جستاری بر وضعیت‌های سه‌گانه



(طراحی شده توسط نگارندگان)

۵. توصیف و تشریح وضعیت موجود

نخستین گام برای درک ماهیت و مؤلفه‌های مقاومت نزد شهید صدر، شناخت وضعیت موجود است که در اندیشه شهید صدر با دو مؤلفه راهبردی شناسانده شده است:

۵-۱. نقش استعمار در عقب‌ماندگی جوامع اسلامی

محمدباقر صدر یکی از شاخص‌ترین متفکرانی است که تداوم معضل‌های کنونی عالم اسلام را در سلطه و نفوذ استعمار جستجو می‌کند. به باور این اندیشمند شیعی، اگرچه دینداری در عصر غیبت با مصائب و امتحانات دشواری عجین شده است؛ اما معضل امروزی را باید ناشی از تاخت‌وتاز بیگانگان دانست. مشکل اینجاست که استعمار غربی به‌مانند یک جریان توفنده و ویرانگر بر مرزهای جهان اسلام یورش برده و وضعیت آن را چنان دگرگون کرده که انحراف از رسالت الهی و انقطاع از آسمان تبدیل به اصل شده و دینداری و عبودیت خلاف قاعده است. به بیان شهید صدر، در چنین زمانه‌ای حراست از ایمان راستین، همچون نگه‌داشتن زغال افروخته در دست است (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۳۸-۴۰). در عصر حاضر، استعمارگران وطن اسلام را تجزیه کردند و به‌ویژه پس از جنگ جهانی اول با برهم‌زدن نظم و اتحاد مسلمین، ممالک اسلامی را به‌صورت چند ملت مجزا درآوردند (خمینی، ۱۳۹۱، ص. ۳۶). در نگاه شهید صدر نیز جنگ جهانی اول حامل شدیدترین توطئه‌ها علیه جوامع اسلامی بود. بعد از پایان یافتن جنگ، استعمارگران حکومت‌های اسلامی را نابود کردند و ممالک اسلامی را تجزیه و اشغال نمودند. آنان بر همه عرصه‌های زندگی امت استیلا یافته و موجب بروز شکاف میان باورهای دینی و مصالح سیاسی شدند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۷). واقعیت این است که هرچه وادادگی کشورهای اسلامی در برابر تمدن غربی بیشتر بوده، شکل‌پذیری و هویت‌پذیری آنها از فرهنگ غربی بیشتر شده است. در فرهنگ غربی، اخلاق و ارزش‌های متعالی، جایگاهی در اداره زندگی اجتماعی بشر ندارد و از آنجاکه معیار این فرهنگ منفعت است؛ انسان با معضل استعمار و بهره‌کشی از ملت‌ها روبه‌روست (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۷).

۵-۲. انحطاط امت اسلام

به باور شهید صدر، بسط سلطه استعمار در جوامع اسلامی موجب تغییر نگرش مردم و انحراف زندگی اجتماعی از معنای اصیل آن شده است و ضرورت امروز اسلام می‌طلبد که اندیشه اسلامی دوباره به‌گونه‌ای احیا شود که مفاهیم بیگانه محو شود؛ برای مثال، بر اثر استیلای استعمار بر ممالک اسلامی، نوعی بدگمانی عمومی نسبت به سیاست‌پدید

آمد؛ زیرا سیاست استعماری سراسر مکر و نیرنگ بود و مسلمانان از آن چیزی جز نفاق، تجاوز، فریب و هتک حرمت نمی‌فهمیدند. گرایش عمومی نسبت به این ادراک نادرست از سرشت سیاست، به تثبیت اندیشه سکولاریسم منجر شد، تا آنجاکه مردم، سیاست را دورترین مفهوم نسبت به گوهر دین می‌دانستند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۴۰)؛ اما بررسی بیشتر در آثار شهید صدر حاکی از آن است که با فروپاشی نظم اجتماعی و تداوم عقب‌ماندگی جامعه مسلمین، ضعف بنیان‌های فکری مردم شدت یافته و در این میان، ارزش‌ها به ضدارزش تبدیل شده و از معنای اصلی خود فاصله گرفته است. در همین زمینه، تحلیل شهید صدر از استحاله مفهوم «صبر» این بینش را در پی دارد که متأثر از عقب‌ماندگی فکری جوامع مسلمین، مفهوم «صبر» به طرز مخربی تبدیل به دستاویزی برای بی‌تفاوتی و پذیرش هرگونه ظلم و ذلت شده است (صدر، بی‌تا، ص. ۴۲). در مجموع می‌توان گفت که تغییر نگرش‌های مسلمین موجب آن شده که امت دچار انحطاط شود و از معنای امت بودن فاصله بگیرد. نکته حائز اهمیت این است که از دل توده‌های پراکنده‌ای که خود را مسلمان می‌دانند، نمی‌توان مفهوم امت را برکشید؛ زیرا «امت اسلامی تنها گروهی که از تعدادی مسلمانان فراهم شده باشد نیست بلکه مقصود از آن، توده‌ای است که افرادش مسئولیت الهی خویش را بر روی زمین بپذیرند» (صدر، بی‌تا، ص. ۲۶).

۶. توصیف و تشریح وضعیت مطلوب

خروج از وضعیت موجود، نیازمند ترسیم وضعیتی مطلوب است که شهید صدر آن را با ذکر دو مؤلفه اساسی ترسیم نموده است:

۶-۱. برپایی جامعه توحیدی

شهید صدر در آرمانی‌ترین وجه اندیشه خود به دنبال بازسازی جامعه توحیدی و برپایی سامانی است که دعوت انبیای الهی را در سراسر زندگی بشر اجابت کند. به نظر وی، داشتن این دید روشن نسبت به ایدئال در طول تاریخ، متوقف بر عقیده به توحید بوده و این باور به توحید است که همه ایدئال‌ها را با هم یکپارچه می‌کند و در سایه آن اهداف، آرمان‌ها و همه گرایش‌های بشری متحد می‌گردد (صدر، ۱۳۸۱، ص. ۲۰۰)؛ اما

برای فهم مختصات جامعه توحیدی، شناخت نسبت دین و جامعه ضرورت دارد. به عقیده شهید صدر، مشکل اساسی انسان معاصر نبود نظام اجتماعی مطلوب است و دین تنها ساختاری است که جامعه می‌تواند در درون آن راه‌حلی برای مشکلات بیابد. در اندیشه این متفکر شیعی، انگیزه‌های فطری و غریزه خودخواهی در انسان، عامل اساسی تشکیل زندگی اجتماعی بود و این عوامل خود باعث ایجاد تضاد، جدایی و درگیری در زندگی بشر شدند. حال اگر انسان نقطه اتکای تأسیس نظام اجتماعی باشد، تنها باعث تحکیم و تعمیق همان تضاد خواهد شد. در نتیجه، ابتکار تشکیل نظام اجتماعی باید از ناحیه رکنی باشد که جدال میان امیال فردی و مصالح عمومی را مرتفع سازد و یکایک انسان‌ها را حول ضرورت تعاون و ایثار مجتمع کند. در نگاه شهید صدر، دین به مثابه رکنی الهی و مرجعی غیرانسانی، یگانه عنصری است که می‌تواند انسان را از پی‌جویی مطامع ناپایدار دنیوی منصرف سازد و با ترسیم سیمایی جاودانه از نعمات اخروی، افراد را به سمت سعادت عمومی حرکت دهد (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۱۰۶-۱۰۹؛ ۱۳۶۲، ص. ۴۲)؛ بنابراین، حب ذات ریشه‌ای‌ترین و گسترده‌ترین غریزه‌ای است که سایر غرایز از شعب و شاخه‌های آن هستند. حب ذات، زیربنای تمامی استعدادهای بشر است و رفتار انسان را مطابق میزان رشد آن استعدادها تعیین می‌کند. در نتیجه، هرگونه تحول در اعمال و رفتار آدمی متوقف بر این است که نگرش او نسبت به منفعت‌جویی دگرگون شود. باید توجه داشت که تنها دین از این امتیاز برخوردار است که میان حب ذات و مصالح جامعه و میان منافع فردی و اجتماعی توازن و آشتی برقرار کند (صدر، ۱۳۹۳، صص. ۳۳۵-۳۲۵).

۲-۶. تشکیل حکومت اسلامی

مهار حب ذات و تنظیم آن با مناسبات اجتماعی باید بر عهده رکنی باشد که دارای قوه قهریه است و برای اعمال آن به مشروعیت دینی تکیه دارد. به همین منظور، برای رسیدن به جامعه توحیدی و ایجاد سازگاری میان جنبه فردی و اجتماعی زندگی انسان، لازم است نظام اسلامی تشکیل شود. وظایف این نظام عبارت است از: بیان احکام شریعت، وضع مقررات براساس احکام شریعت، اجرای احکام و مقررات و قضاوت بر اساس احکام و مقررات. نکته درخور اهمیت این است که پذیرش این نظام و همراهی با

وظایف آن، موجب رهایی از سلطه فکری مکاتب استعمارگران خواهد شد و راه پیروزی جنبش‌های آزادی‌بخش را هموار می‌کند (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۱۱۰-۱۱۵)؛ اما روشن است که عمل به وظایف یادشده نیاز به تشکیلات اجرایی دارد و لازم است هویتی نهادین، آرمان نظام اسلامی را محقق کند. از این‌رو تشکیل حکومت یک ضرورت است. در دستگاه فکری شهید سیدمحمدباقر صدر نیز حکومت اسلامی صورتی نهادین و تشکل‌یافته از نظام اسلامی تلقی می‌شود. همچنین برپایه نظریه خلافت عامه، انسان مسئول سرنوشت خویش است و این حق را دارد که در طول حاکمیت الهی، جانشین خداوند بر زمین باشد (جمشیدی، ۱۳۸۷). به باور شهید صدر، حکومت اسلامی مظهر عینیت‌بخشیدن به خلافت الهی است و افزون بر ضرورت دینی، برخوردار از یک ضرورت تمدنی است؛ زیرا تنها در شرایط استقرار یک حکومت اسلامی، استعداد انسانی شکوفا خواهد شد و تمدن انسانی از سردرگمی و تفرقه نجات می‌یابد (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۳). به نظر وی، شرط موفقیت برای پایه‌گذاری تمدن جدید، مبارزه برای رهایی‌اندن امت از عقب‌ماندگی است. در واقع، حرکت امت، نمودی از رشد آن است و بدون آن تغییری حاصل نخواهد شد؛ زیرا طبق سنت الهی، خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. اما پرسش اساسی این است: گام اولیه برای تغییر امت و رهایی آن از عقب‌ماندگی چیست؟ در اندیشه سیاسی شهید صدر، نقطه آغاز تلاش‌ها برای بازسازی امت، شکل‌گیری حکومت اسلامی است. در واقع هدف از سرنوشتی حکومت‌های ستمگر و کافر و برپایی حکومت اسلامی، تصاحب قدرت نیست بلکه هدف نهایی، بسیج نیروها برای تحول امت و ریشه‌کن کردن عوامل عقب‌ماندگی است (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۴). در مجموع، تدبیر در آثار این متفکر شیعی حاوی این بصیرت مهم است که از یک‌سو، راه نیل به جامعه توحیدی از مسیر حکومت اسلامی می‌گذرد و از سوی دیگر، تلاش برای شکل‌گیری یک حکومت اسلامی، پیش‌شرط هر طرحی معطوف به مقاومت اسلامی است؛ بنابراین برای تحقق آرمان‌های جامعه توحیدی، ضرورت دارد مقاومت اسلامی در نظر و عمل، الزامات تشکیل یک حکومت اسلامی را مهیا کند.

۷. توصیف و تشریح وضعیت گذار (صورت‌بندی اندیشه مقاومت اسلامی)

برای صورت‌بندی اندیشه مقاومت اسلامی، ابتدا لازم است جایگاه آن در منظومه فکری شهید صدر مشخص شود. در نگاه شهید صدر، «میزان موفقیت دعوت اسلامی در حوزه اندیشه، به میزان نفوذ مفاهیم اسلامی در ذهن امت و در عرصه روحی به میزان هماهنگی عواطف امت با این مفاهیم بستگی دارد» (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۴۴۸). در واقع، «آنچه از اندیشه اسلامی انتظار می‌رود، از یک‌سو برخورداری از جامعیت و فراگیری است و از سوی دیگر، واقع‌بینی یعنی دربرگرفتن واقعیت است» (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۲۳۲). به همین دلیل، ضرورت دارد اندیشه مقاومت اسلامی به‌عنوان یکی از سرشاخه‌های اصلی اندیشه سیاسی اسلام در چهارچوب کلی اندیشه اسلامی بازسازی شود، بدین معنا که در ذهن و عاطفه امت اثرگذار باشد و علاوه بر جامعیت و فراگیری بودن، از رویکردی واقع‌بینانه بهره ببرد؛ اما در اینجا نکته ظریفی وجود دارد: زندگانی شهید صدر با عصری تلاقی داشته که در آن بسیج سیاسی مردم از انحصار روحانیت خارج شده بود. به عقیده این اندیشمند مبارز، انفعال علمای اسلام در مواجهه با مطالبات و جنبش‌های جدیدی همانند ملی‌شدن صنعت نفت در ایران، نشانگر آن است که حوزه‌های عملیه همپای تکامل استعمار و توسعه شعاع نفوذ آن، رشد نکرده‌اند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۵۱۶). به نظر شهید صدر، کوشش برای فهم اسلام از این جهت اهمیت دارد که به اعتلای دین و اقامه احکام اسلام بینجامد. درحقیقت، علوم اسلامی سلاحی برای ایستادگی در برابر جریانی است که محتوای آن کفرآلود است و از هر سو زندگانی مردم را احاطه کرده و حاکمیت سرزمین‌های اسلامی را قبضه کرده است (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۳۲-۳۵). اختصاصاً لازم است به پژوهش‌های فقهی به‌عنوان وسیله‌ای نگریسته شود که با استفاده از آن قدرت اجتماعی لازم برای ورود به میدان روشنگری و اقامه اهداف دین حاصل شود (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۴۱۸-۴۲۵). به بیان شهید صدر، تبحر در فقه و اصول، بدین‌علت واجد ارزش است که دردی از دردهای امت اسلام را درمان کند و ابزاری برای مقابله با دشمنان دین الهی باشد (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۳۲-۳۵)؛ بنابراین به‌وضوح می‌توان گفت که مقاومت اسلامی همان تمهیدی است که گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را ممکن می‌کند و در همین راستا اندیشه شهید صدر از مجرای صورت‌بندی چهار رکن مفهومی قابل ردیابی است.

رکن اول. مقاومت به مثابه باوری سلبی

نخستین جلوه مقاومت در اندیشه شهید صدر، ایستادگی روحی و عقیدتی مردم در برابر ایدئولوژی‌ها و باورهای غیراسلامی است. سیدمحمدباقر صدر در پژوهش‌های خود از مفهومی به نام «مقاومت منفی» یاد می‌کند. بر این اساس، اعتقاد در ایستادگی مردم نقش ویژه‌ای دارد. چنانچه اعتقاد مردم به اسلام پایدار بماند، نوعی حرارت و روشنایی پدید می‌آید که به موجب آن هر نظام اجتماعی و چهارچوبی که از اسلام گرفته نشده با طرد عمومی همراه می‌شود و مردم باورمند به تعالیم اسلام از پذیرش مظاهر تمدن غرب، امتناع می‌ورزند؛ بنابراین در نگاه شهید صدر، نفس ایمان به حقانیت مکتب اسلام خود موضوعیت دارد و زمینه‌ساز ایستادگی مردم خواهد بود: «مردم - دست‌کم از جنبه نظری - ایمان دارند که هر چهارچوب یا نظامی که بنیادهای آن با یاری اسلام، استوار نشده باشد، غیرقانونی و نارواست و این ایمان - حتی اگر در مرحله عمل نیز خود را به صورتی مشخص نشان ندهد باز - نوعی مقاومت منفی ایجاد می‌کند که به‌طور ضمنی همه فعالیت‌هایی را که نظام‌ها و مکتب‌های اجتماعی دیگر برای پیشرفت تمدن انجام می‌دهند، خنثی می‌نماید» (صدر، بی‌تا، ص. ۲۸).

رکن دوم. مقاومت به مثابه دعوتی بنیادین

در شرایطی که استعمار سلطه خود را بر جوامع اسلامی تثبیت کرده است، متعاقباً اسلام از جایگاه اصلی خود یعنی اداره حکومت و جامعه به دور مانده و اندیشه‌های دیگر جایگزین آن شده است. در چنین شرایطی اندیشه مقاومت نمی‌تواند نسبت به انحراف‌های زیربنایی غفلت ورزد و روا نیست اگر مقاومت تنها به اصلاح بخشی از روینای جامعه اکتفا کند. در این وضعیت، به باور شهید صدر ضروری است که تغییری جامع و ریشه‌ای در دستور کار قرار گیرد، از این رو مقاومت باید آغازگر دعوتی بنیادین و دگرگون‌ساز باشد که روینا و زیربنای امت را از نو بازسازی می‌کند (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۳۰۶-۳۱۰). این دعوت بنیادین، واجد نگرشی تمدنی به مقاومت است و مجاهدان را به بازپس‌گیری مرزهای پیشین عالم اسلام فرامی‌خواند. در نگاه شهید صدر، اصل مقابله با نفوذ استعمارگران، تنها در کشورهایی که مسلمانان در حال حاضر در آنها زندگی می‌کنند محدود نمی‌شود بلکه باید کوشید فتوحات پیشین مسلمین را

نجات داد و آن دسته از سرزمین‌هایی که اکنون وطن اسلامی غصب شده قلمداد می‌شوند (همچون آندلس و فلسطین) به ملکیت امت اسلام درآید (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۵)؛ بنابراین باید توجه داشت که مقاومت به مثابه دعوت بنیادین، مستلزم آن است که در چهارچوب مرزهای سرزمینی محدود نشود و فراتر از سرزمین وحی، مسلمانان را دعوت به مبارزه کند. در قرآن کریم کلمه «ملت» مرادف با «دین» است و به تعبیر دقیق‌تر باید آن را معادل «مکتب» در نظر گرفت. اساساً دعوت اسلامی در آغاز به هیچ قوم و ملتی اختصاص نداشته و در دین اسلام، ملیت و قومیت، به معنای اصطلاحی و امروزی آن که واجد قلمرویی معین است، هیچ اعتباری ندارد (مطهری، ۱۳۸۵، صص. ۵۵-۵۸). نزد شهید صدر نیز، مرزهایی که حاکمیت‌های نوین را از یکدیگر جدا می‌کنند نباید به ملاکی برای تحدید مقاومت تبدیل شود. به نظر وی، هر نقطه‌ای از دنیا که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند، وطن اسلامی است؛ زیرا کیان سیاسی دولت اسلامی بر بنایی فکری استوار است که سرزمین‌ها نسبت به آن تفاوتی ندارند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۲۷۷). چنین دیدگاهی مستلزم آن است که مقاومت به مثابه دعوتی بنیادین، فراسوی مرزها و در اقصی نقاط عالم، برنامه منسجمی برای هدایت مسلمانان تدارک بیند و فارغ از اینکه یک قلمروی سرزمینی تحت سیطره حکومت اسلامی باشد یا نه، در یک وطن اسلامی مسلمانان ملزم هستند که سطح متناسبی از مقاومت را در عمل پیاده کنند.

رکن سوم. مقاومت به مثابه انقلابی فراگیر

ساختن جامعه توحیدی، کار آسانی نیست؛ زیرا رسیدن به این هدف، مستلزم انقلابی علیه جاهلیت و پاکسازی ذهن و محتوای روحی جامعه از بن‌مایه‌های استثمار و انگیزه‌های آن است (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۲). مادامی که انسان، امیال نفسانی خود را مهار نکند و قادر به کنترل درون خود نباشد، نمی‌تواند به نحو شایسته‌ای تحقق آزادی‌های اجتماعی را تضمین کند. نقطه آغاز برای پاکسازی جامعه، پالایش درونی انسان است. در اصل، تمایز ظریف اسلام با سایر مکاتب و نظام‌ها در این نکته نهفته است که خودسازی در آن بی‌پایان است (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۰). شهید صدر بر این باور است که راز پیروزی انقلاب عظیم حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ایجاد تحول در محتوای فکری و عاطفی مردم بود، آن هم در شرایطی که هیچ‌یک از

عوامل مادی تغییری نکرد. به تعبیر شهید صدر، اسلام همان انقلابی است که در آن حیات فردی و اجتماعی انسان از عقیده و معنویت جدا نیست و دین اسلام، به‌دنبال انقلابی اجتماعی علیه ظلم، بهره‌کشی و اسباب آن است. در اصل دعوت انبیا الهی، ماهیت منحصر به فردی دارد که آن را از انقلاب‌های دیگر متمایز می‌سازد. اجابت این دعوت مستلزم آن است که در امتداد سازندگی درونی انسان، جهان بیرونی از اسارت ظلم و تعدی رهایی یابد (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۴۷). درحقیقت، دین اسلام همگان را دعوت به جهاد می‌کند. دعوت نخست، دعوت به جهاد با نفس یا همان جهاد اکبر است و دعوت دوم، دعوت به جهاد اصغر است. پشتوانه این دو دعوت، بشارت الهی است مبنی بر اینکه خودسازی مستضعفان و استقامت آنان در راه دین، پایان حکومت مستکبران را رقم خواهد زد (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۸). در تکمیل این بحث، شهید محمدباقر صدر ایدئال توحیدی را از ایدئال‌های پست جدا می‌سازد و با معیار قراردادن وحی و معنویت اسلامی، سعی دارد که دو نوع انقلاب را از یکدیگر تفکیک کند. در نوع نخست، انقلاب‌هایی که در تاریخ بشر اتفاق افتاده، حاصل خروش احساساتی بوده که قلوب مستضعفان و ستم‌دیدگان را از خود مالا مال کرده است. در واقع، هرچه استثمار، ستمگری و تجاوز خود را بیشتر کند و دامنه استیلاي خود را گسترش دهد، بیداری در جامعه مستضعفان افزایش خواهد یافت. به تعبیر شهید صدر، در چنین وضعیتی حس نارضایتی مردم نخست به شکل «مقاومت خاموش»، سپس در قالب «مقاومت پویا» و در نهایت به صورت «مقاومت انقلابی» بروز خواهد کرد؛ اما نکته اینجاست که در نوع نخست، عامل محرک مردم، همان احساسات و عواطفی است که از بسط روابط استثمار نشئت می‌گیرد؛ بنابراین نمی‌توان در چهارچوب این انقلاب، انتظار داشت که استثمار ریشه‌کن شود بلکه عمده دگرگونی‌ها حاکی از تغییر شیوه‌های استثمار و عوض شدن اشکال بهره‌کشی است؛ بنابراین دور از انتظار نیست که این نوع انقلاب در نیمه راه متوقف شود (صدر، ۱۳۹۳، صص. ۱۷۵-۱۷۸). اما نوع دوم انقلاب که شکل اصیل و حقیقی انقلاب‌هاست، ریشه در تعالیم انبیا دارد و به‌جای آنکه روی احساس نارضایتی از استثمار تکیه کند، جوشش آن ناشی از ارزش‌هایی نظیر ایمان، عدل، قسط و عبودیت است. این انقلاب استثمار کوچک را به استثمار بزرگ تبدیل نمی‌کند بلکه نابودی اساس استکبار را هدف خود قرار می‌دهد. چنین انقلابی به آمادگی

معنوی و تربیت درونمایه‌های روحی انقلابیون وابسته است تا آنها را از دنیاپرستی و انگیزه بهره‌کشی پاک کند؛ اما روشن است که این تربیت به اراده‌ای غیر از انسان تکیه دارد و منفک از هدایت الهی نیست؛ بنابراین تنها وحی می‌تواند تربیت انقلابی و زمینه روحی شایسته را فراهم کند، تربیتی که از مستضعفان پیشوایانی می‌سازد که به شایستگی شئون خلافت الهی را در زمین پیاده کنند (صدر، ۱۳۹۳، صص. ۱۷۵-۱۷۸).

رکن چهارم. مقاومت به مثابه کرداری مصلحت‌محور

میزان انطباق قوانین و عملکرد سیاسی حکومت‌ها با آموزه‌های اصیل مکتب اسلام، در تعیین حدود و ثغور الزام‌های عملی اندیشه مقاومت مؤثر است. مقاومت اسلامی در عرصه عمل و در مواجهه با اشکال مختلف نظام‌های سیاسی از الگوی یکسانی پیروی نمی‌کند و بسته به نوع حکومت، بایسته‌های هنجاری خاصی را دنبال می‌کند. این ویژگی موجب آن شده که مقاومت اسلامی توازنی میان انعطاف‌های عملی و ارزش‌های اساسی پدید آورد. در همین زمینه، شهید صدر می‌کوشد با دسته‌بندی حکومت‌های معاصر، چهارچوبی برای ایستادگی سیاسی ملل مسلمان بیابد. از این رو در کتاب بارقه‌ها، حکومت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) حکومت مبتنی بر مبنای فکری متضاد با اسلام، (۲) حکومتی که مبنای فکری مشخصی برای خودش ندارد، (۳) حکومت اسلامی (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۲۷۹-۲۸۱).

دسته اول حکومت‌ها در تضاد با نگرش‌های اسلام به زندگی و جامعه هستند و حکومت کفر قلمداد می‌شوند. در مواجهه با چنین حکومت‌هایی، مقاومت اسلامی در هیئت یک آموزه انقلابی ظاهر می‌شود، چراکه طبق استنباط‌های فقهی شهید صدر، بر مسلمانان واجب است که با توسل به طیف گسترده‌ای از شیوه‌های تبلیغی و جهادی، چنین حکومتی را از بین ببرند. در نظرگاه شهید صدر، از آنجاکه در چنین حکومتی، اعتقادهای اسلامی در معرض حمله و خطر قرار گرفته، ایستادگی مسلمانان در برابر این حکومت، همانند شرایط جهاد دفاعی برای حفظ اصل اسلام است (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۲۷۹).

دسته دوم، آن دسته از حکومت‌هایی را دربرمی‌گیرد که قدرت آن بر مبنای فکری معینی استوار نیست و تحت اراده حاکمان و یا منافع استعمارگران اداره می‌شود.

حکومت‌های استبدادی و حکومت‌هایی که تحت سلطه استعمار خارجی درآمده‌اند، مصادیقی از دسته دوم هستند. در دیدگاه شهید صدر، چنین حکومتی مشروع نیست و در زمره حکومت کفر قرار می‌گیرد، حتی اگر حاکم آن فردی مسلمان باشد و ظواهر اسلام را مراعات کند. در این نوع از حکومت، اگرچه ممکن است نشانی از خصومت علیه عقاید و افکار اسلام آشکار نباشد؛ اما به‌ترتیب، اسلام از جایگاه اصلی خود کنار نهاده شده و بسته به هوی و هوس حاکم، کیان اسلام و حیات مسلمین همچنان در خطر است؛ لذا بر مسلمانان واجب است برای سرنگونی چنین حکومتی دست به اقدام بزنند و به پرپایی حکومت اسلامی اهتمام ورزند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۲۸۰).

اما جایگاه مقاومت در دسته سوم، یعنی در حکومت اسلامی متزلزل نمی‌شود و همچنان استقامت سیاسی مسلمانان، به‌مثابه وظیفه‌ای اجتماعی پابرجاست. شهید صدر حکومت اسلامی را در سه شکل طبقه‌بندی می‌کند: شکل اول، بیانگر حکومتی است قوانین آن تماماً برگرفته از مبنای فکری اسلام است و اوامر اجرایی آن کاملاً منطبق با احکام دین الهی است. چنین حکومتی که رؤس دستگاه حاکمه آن عاری از هوا و هوس است بر تجربه حکومتی معصومین (علیهم‌السلام) منطبق است؛ اما در شکل دوم حکومت اسلامی، بر اثر ناآگاهی کارگزاران دستگاه حکومتی، برخی از اقدامات و قوانین مغایر با احکام اسلام است. در مواجهه با چنین حکومتی، لازم است مسلمانان در حیطه اختیارات مشروع حکومت، از فرامین آن تبعیت نکنند. سپس، ضرورت دارد باورمندان به مقاومت اسلامی، رسالت تربیتی و شأن آموزشی خود را پیاده سازند. از این‌رو شهید صدر تأکید می‌کند که بر هر مسلمانی که احکام اسلام را می‌داند، واجب است حکومت را از جهل‌رهایی بخشند و کارگزاران آن را از حقیقت احکام شرعی اسلام آگاه سازد. در قدم بعدی، اگر حکومت بر نظر اشتباه خود پافشاری کرد و این اصرار از روی عناد و لجاجت نبود، لازم است امور در ترازوی اهم و مهم قرار گیرند. چنانچه در تحقق امر مورد اختلاف، وحدت‌نظر شرط است (به‌مانند جهاد و مالیات)، نباید از نظر حکومت سرپیچی شود؛ اما اگر در مسئله مورد مناقشه، وحدت‌نظر ضرورت نداشته باشد، آنگاه فرد مخالف می‌تواند اجتهادی را ملاک عمل قرار دهد که با نظر حکومت متفاوت است (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۲۸۱). درنهایت، شکل سوم از حکومت اسلامی، حکومتی است که در مرتبه تقنین و یا اجرا، عمداً، خودسرانه و

به خاطر وسوسه‌های نفسانی، در مسیر مخالفت با آموزه‌های اسلام قدم برداشته است. به باور شهید صدر، مردم در مواجهه با چنین حکومتی از یکسو باید مانع از تداوم قدرت شوند و از سوی دیگر جایگزین مناسبی برای حاکم فعلی بیابند، چراکه حرکت در مسیر انحرافی، او را از عدالت ساقط کرده است؛ اما اگر مسلمانان قادر به برکناری حاکم نبودند، مقاومت صورتی اصلاح‌گرایانه به خود می‌گیرد و لازم است آحاد مردم بر پایه احکام مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، دستگاه حکومتی را از ارتکاب معاصی بازدارند. نکته حائز اهمیت این است که به مجرد احراز بی‌عدالتی حاکم، تنها زمانی او امر حکومتی نافذ هستند که مصالح عالی‌امت، کیان اسلام و اصل دین در معرض تهدیدی حیاتی قرار گیرد، در غیر این صورت نباید از دستورهای حاکم غیرعادل تبعیت کرد و تنها اطاعت از ولی امر واجب است (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۲۸۲).

چنانچه پیداست، مقاومت اسلامی در اصول ثابت است و در عرصه فروع و در میدان عمل، بسته به نوع حکومت و ماهیت آن متفاوت و منعطف خواهد بود. به‌ویژه در نزد شهید صدر، اصل ثمربخشی و احتمال تأثیر، دامنه قبض و بسط مقاومت اسلامی را تنظیم می‌کند. در این میان، حراست از کیان دین و لزوم حفظ وحدت اسلامی، اصولی هستند که حاکم بر هر طرح و اقدامی است که شکلی از مقاومت را برمی‌گزیند. این دو اصل، راهنمایی برای یکی از مهم‌ترین پرسش‌های زمانه شهید صدر هستند: آیا مبارزه با استعمار خارجی مقدم بر پیکار با استبداد داخلی است؟ پاسخ این پرسش را می‌توان با رجوع به کتاب بارقه‌ها استخراج کرد. در نظر شهید صدر ممکن است مصلحت ایجاد کند که مجاهدان اسلامی پیش از برپایی حکومت‌های اسلامی، در کنار سلاطین حاکم برای نابودی بنیان نیروهای استعمارگر و برچیده‌شدن سلطه و نفوذ کفار تلاش کنند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۴).

در مجموع می‌توان گفت که مقاومت در نزد این عالم شیعی، حرکتی مصلحت‌محور است. مطابق دیدگاه شهید صدر، «مصلحت عبارت است از بهترین وضعیت برای اسلام و مسلمین به‌گونه‌ای که هم وضع دین و هم اوضاع مادی را دربرگیرد» (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۰). نکته درخور توجه آن است که گاهی شریعت مقدس به این مصلحت تصریح داشته و گاهی نیز مورد تصریح واقع نشده و در ابعاد اجتماعی ممکن است برای هر کشور و هر شرایطی متفاوت باشد. به‌ترتیب، اتکا بر مصلحت برای تنظیم

مناسبات عملی مقاومت اسلامی از اهمیت والایی برخوردار است، به طوری که اگر مصلحت ایجاب کند مقاومت باید دست از مبارزه بکشد و حتی برای مدتی از تعقیب عالی‌ترین هدف سیاسی خود یعنی تشکیل حکومت اسلامی صرف‌نظر کند. به بیان شهید صدر، در شرایطی که بیم آن برود که برپایی حکومت اسلامی به منزله هجوم همه‌جانبه دشمنان و نابودی سریع کیان اسلامی باشد، مصلحت ایجاب می‌کند اجرای پاره‌ای دستورهای اسلامی و در اختیار گرفتن قدرت، موقتاً به تأخیر بیفتد و موعد زمانی مناسب‌تری برای قیام مسلمین و استقرار حکومت اسلامی انتخاب شود (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۳۰۰-۳۰۲).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از روش جستاری، کاوشی نظری در آثار شهید صدر را به پایان رسانید و به بازسازی اندیشه مقاومت اسلامی نائل آمد. در این مقاله مشخص شد که مقاومت، تمهیدی راهبردی برای حرکت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب است. این راهبرد را باید راهبردی انتقالی و منطبق با وضعیت «جامعه در حال گذار» قلمداد کرد. به طور کلی از مطالب گفته شده چنین برمی‌آید که برای رهایی جهان اسلام از استعمار و نیل به جامعه توحیدی، ضروریست تمشیت امور به حکومت اسلامی سپرده شود و این حکومت از پیدایی تا پایایی، باید متکی بر اندیشه مقاومت باشد. درک این اندیشه نیازمند واکاوی دو لایه بود که شرح آن در دو بخش «توصیف وضعیت موجود» و «ترسیم وضعیت مطلوب» به نگارش درآمد. این دو بخش، نمایانگر خطوط کلی و بیانگر مبدأ و مقصدی هستند که جهت‌گیری اندیشه مقاومت را مشخص می‌کند. این خطوط کلی با معیار قراردادن اوصاف جامعه کنونی و جامعه آرمانی، خمیرمایه نظریه مقاومت را شکل می‌دهد. چنانکه گفته شد، غایت مقاومت رسیدن به جامعه آرمانی (جامعه توحیدی و حکومت اسلامی) است و باید با تحلیل درست از ابعاد ضعف و انحطاط جامعه کنونی، رهایی‌بخشی از سلطه استعمار را دنبال کند؛ اما در نهایت، برای دستیابی به اندیشه مقاومت، لازم بود نظریه معطوف به آن بازسازی شود. «نظریه مقاومت» نوعی صورت‌بندی از مقاومت اسلامی در قالب چهار سازمایه مفهومی است: مقاومت به مثابه باوری سلبی، مقاومت به مثابه دعوتی بنیادین، مقاومت

به مثابه انقلابی فراگیر و مقاومت به مثابه کرداری مصلحت محور. براین اساس، مشخص شد که اندیشه مقاومت دارای ابعاد مختلفی است که از درون انسان تا مناسبات اجتماعی، از خودسازی تا نظام سازی، از جهاد اکبر تا جهاد اصغر، از باور قلبی تا مبارزه علنی، از اصلاح تا انقلاب، از تشکیل حکومت اسلامی تا صیانت از آن و از قلمروی حاکمیتی تا مرزهای تمدنی را دربرمی گیرد؛ بنابراین بازتاب اصولی نظیر فراگیری، جامعیت، استمرار، واقع نگری، بنیادی بودن و مصلحت محوری نشان می دهد که شهید صدر نگاهی «همه جانبه» به اندیشه مقاومت اسلامی داشته و آن را به نوع خاصی از مبارزه و یا کنش سیاسی محدود نکرده است. در نتیجه، دستاورد نهایی این پژوهش بیانگر آن است که شالوده اندیشه مبارزاتی شهید صدر، برپایه «نظریه مقاومت همه جانبه» بنا شده و مقاومت اسلامی در تمام ابعاد حیات انسانی بسط یافته است.

کتابنامه

- آصفی، محمد مهدی (۱۴۳۰ق). *فقه المقاومة؛ درسه فقهیه مقارنه*. قم: المجمع العالمی لاهل البيت (علیهم السلام).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۹۹). *فهم نظریه های سیاسی* (فرهنگ رجایی، مترجم). تهران: نشر آگه.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- السید، رضوان (۱۳۹۸). *اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد* (مجید مرادی رودرپشتی، مترجم). قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- امرابی، حمزه (۱۳۸۳). *انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امین ناجی، محمد هادی و زاهدی تیر، اصغر (۱۳۹۸). «بررسی مفهوم مقاومت با رویکردی اجتماعی در آیات قرآن». *نشریه علمی مطالعات تفسیری*، ۱۰(۳۸)، ۲۲۱-۲۳۶.
- ایران نژاد، ابراهیم و جمشیدی، محمد حسین (۱۳۹۱). «نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه

- سیاسی شهید صدر (رحمه الله علیه). «فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی». ۷۷-۱۰۸، (۲۹)۹.
- برهانی، عبدالعلیم و میرعلی، محمدعلی (۱۳۹۷). «علل و زمینه‌های انقلاب و دگرگونی سیاسی در قرآن؛ با تأکید بر دیدگاه‌های شهید محمدباقر صدر و ابوالاعلی مودودی»، همایش بین‌المللی بازنحوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران. دوره ۱، ۲۹۶۶-۳۰۰۱.
- بهارلو، میثم؛ کیمیایی دوین، ابراهیم و مجیدی، حسن (۱۳۹۷). «الگوی مقاومت اسلامی مبتنی بر انسان‌شناسی علامه طباطبایی و شهید مطهری»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قدرت نرم. ۸(۱۹)، ۱۵۵-۱۷۸.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۷). «مفهوم و چیستی حکومت در اندیشه سیاسی شهید صدر (رحمت‌الله‌علیه)». فصلنامه سیاست. ۳۸ (۳)، ۱-۱۸.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۲). «مبانی حکومت اسلامی». قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- خراسانی، علی (۱۳۹۹). «نقش توحیدباوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم». فصلنامه علمی - تخصصی علوم قرآن و حدیث. ۲(۱)، ۱۱۸-۱۴۴.
- خرمشاد، محمدباقر و نادری، احمد (۱۳۹۰). «نقش حزب الدعوة اسلامی در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق». فصلنامه شیعه‌شناسی، ۹(۳۳)، ۶۷-۲۰۰.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۴). «صحیفه انقلاب اسلامی (وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه))». تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۱). «ولایت فقیه: حکومت اسلامی». تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خواجه‌پور، کمال (۱۳۹۹). «ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات». مجله سیاست دفاعی. ۲۸(۱۱۲)، ۱۶۷-۱۹۹.
- درخشه، جلال (۱۳۹۰). «بازسازی اندیشه دینی در ایران معاصر و تأثیر آن بر بازیابی تمدن اسلامی». فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۴۱(۳)، ۹۳-۱۰۹.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). «لغت‌نامه دهخدا». تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). «المفردات فی غریب القرآن». بیروت: الدار

- الشامیه؛ دمشق: دارالعلم.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۵). *حکومت اسلامی در چشم‌انداز ما*. قم: مؤسسه امام صادق (علیه‌السلام).
- صدر، محمدباقر (بی‌تا). *سرچشمه‌های قدرت در حکومت اسلامی* (اکبر ثبوت، مترجم). تهران: روزبه.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۲). *مدرسه اسلامی* (کاظمی خلخالی، مترجم). تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۱). *سنت‌های تاریخ در قرآن* (جمال‌الدین موسوی اصفهانی، مترجم). تهران: تفاهم.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳). *اسلام، راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما* (مهدی زندیه، مترجم). قم: انتشارات دارالصدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۴). *بارقه‌ها* (سیدامید موذنی، مترجم). قم: انتشارات دارالصدر.
- صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۹). *اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*، تهران: انقلاب اسلامی.
- علیانسب، سیدحسین (۱۳۹۴). «دلایل تغییر و تحول درونی در نظریه‌های انقلاب با تأکید بر نظریه شهید صدر». *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*. ۹(۳۰)، ۶۱-۸۰.
- فیرحی، داود (۱۳۹۳). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس* (علی شیری، تحقیق و تصحیح). بیروت: دارالفکر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *پیامون جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: انتشارات صدرا.
- مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸). «تیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای». *دوفصلنامه علمی دانش سیاسی*. ۱۵(۳۰)، ۵۳۹-۵۶۶.



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار